



بررسی رابطه کارکردهای اجرایی و قضاوت اخلاقی در دختران ۹ تا ۱۱ ساله شهر کرمانشاه

زهرا کرمی^۱

چکیده

درگیر شدن در رفتارهای منعطف و هدف‌دار تنها زمانی کسب می‌شود که کودک به ادراک تجسمی از ذهن رسیده باشد. در کل شواهد تجربی برای بررسی رابطه علیتی بین نظریه ذهن و کارکرد اجرایی کافی نیستند. با توجه به اینکه کارکردهای اجرایی بخشی از فرآیندهای عالی شناختی هستند و بر اساس دیدگاه روان‌شناسان شناختی مثل پیاز و کلبرگ که اخلاق و قضاوت اخلاقی بر شناختی مبتنی است به نظر می‌رسد میان کارکردهای اجرایی با قضاوت اخلاقی رابطه وجود داشته باشد. در این صورت افزایش یا بهبود کارکردهای اجرایی می‌تواند قضاوت اخلاقی را بهبود بخشد و یا بالعکس. لذا هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه کارکردهای اجرایی و قضاوت اخلاقی در بین دختران ۹ تا ۱۱ ساله شهر کرمانشاه می‌باشد. جامعه آماری پژوهش دختران ۹ تا ۱۱ ساله شهر کرمانشاه بودند. نمونه پژوهش حاضر ۳۷۰ نفر از دختران بودند که به پرسشنامه کارکرد اجرایی بارکلی، آزمون قضاوت اخلاقی سینها و وارما پاسخ دادند. یافته‌ها نشان داد که رابطه معناداری بین کارکردهای اجرایی و قضاوت اخلاقی دختران وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: کارکردهای اجرایی، قضاوت اخلاقی، دختران ۹ تا ۱۱ ساله، شهر کرمانشاه



این یک واقعیت است که نظام‌های ارزشی کشورهای که در یک دوره گذار هستند به‌طور چشمگیری مختل شده است. چنین شرایطی بر کل جامعه، نمادها و خانواده تأثیر می‌گذارد (بسیراد و یوتیچ، ۲۰۱۴). اخلاق یکی از مباحث مهمی است که در این راستا قرار می‌گیرد. نظریه‌های روان‌شناسی اخلاق به این بحث می‌پردازند که چرا و چگونه انسان‌ها به‌جای ارضای مستقیم تمایلات خود به پیگیری اهداف و علایق دیگران و نفع رسانی به جامعه می‌پردازند (دامون، ۲۰۰۰، به نقل از رحمتی، ۱۳۸۹). اخلاق به معنای تمیز، سنجش یا گزینش طرز رفتار و برخوردها با امور بر مبنای حقانیت یا نادرستی احتمالی آن‌ها است. قضاوت اخلاقی به چگونگی نظر شخص راجع به مقدرات و هنجارهایی که مردم باید در تعامل با دیگران رعایت کنند و به برداشت او از آن‌ها اشاره دارد. اخلاق از دیدگاه شناختی به‌عنوان انجام قضاوت آگاهانه در مورد خوبی یا بدی اعمال تعریف شده است (پیاز، ۱۹۳۲، به نقل از کدیور، ۱۳۹۹). قضاوت اخلاقی یعنی استدلال‌ها یا توجیه‌هایی که برای ارزش‌ها یا تصمیم‌های اخلاقی می‌آوریم همچنین قضاوت اخلاقی در مکرد این است که کدام عامل بیشترین توجیه‌پذیری را در یک قضیه اخلاقی دارد (رست، ۱۹۸۶، به نقل از آسفیچی و همکاران، ۱۳۹۳). اخلاق دارای چهار بعد است که این ابعاد عبارت‌اند از حساسیت اخلاقی، قضاوت اخلاقی، انگیزه اخلاقی و شخصیت اخلاقی. هر یک از این ابعاد پژوهش‌های ویژه خود را می‌طلبند. یکی از این ابعاد اخلاق، قضاوت اخلاقی است که پژوهش حاضر به بحث راجع به این بعد از اخلاق پرداخته است (رست، ۱۹۸۶، به نقل از آسفیچی و همکاران، ۱۳۹۳). اخلاق را از رویکردهای گوناگون روان‌شناسی مورد مطالعه قرار داده‌اند به‌گونه‌ای که نظریه‌پردازان روان تحلیل‌گر بر مؤلفه عاطفه اخلاقی و همچنین نظریه‌پردازان شناختی بر مؤلفه‌های قضاوت اخلاقی و نظریه‌پردازان رفتارگرا بر مؤلفه‌های رفتار اخلاقی تأکید می‌کنند. پژوهش باهدف بررسی رابطه کارکردهای اجرایی با قضاوت اخلاقی دختران ۶ تا ۱۱ ساله شهر کرمانشاه انجام شد. جریوات، شوارتز و همکاران^۲ (۲۰۲۱) در پژوهش خود در زمینه قضاوت اخلاقی نشان دادند که افراد در زمان ارزیابی یک تخلف عمدتاً دو مؤلفه قصد و نتیجه را در ذهن خود پردازش می‌کنند. کریستوفنی و همکاران^۳ (۲۰۲۰) پژوهشی تحت عنوان نقش کارکردهای اجرایی در ایجاد همدلی و ارتباط آن با رفتارهای خارجی در دختران مبتلا به اختلالات عصبی و سایر بیماری‌های روان‌پزشکی انجام دادند. نتایج حاصل از این پژوهش بیان می‌دارد که کارکردهای اجرایی مختلف نظیر بازداری می‌تواند موجب بهبود رفتارهای خارجی در دختران دارای اختلالات عصبی و سایر بیماری‌های روان‌پزشکی شود. این امر همچنین موجب افزایش همدلی میان آن‌ها می‌گردد.

شورکشتی، وهابی و میرمحمدصادقی (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان "اثر محرومیت اجتماعی بر قضاوت اخلاقی" انجام دادند. این پژوهش باهدف مطالعه اثر محرومیت اجتماعی بر قضاوت اخلاقی انجام شد. ۶۹ شرکت‌کننده در دو گروه کنترل و تست ابتدا پرسشنامه واکنش بین فردی را پاسخ دادند که بر اساس پاسخ‌ها، ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها در همدلی زیر مشخصه‌های آن مشخص شد. آزمودنی‌ها سپس به پرسشنامه تنگناهای اخلاقی و پرسشنامه مقیاس عاطفه مثبت و منفی پاسخ دادند. سپس هر گروه در بازی توپ مجازی - گروه تست نسخه محرومیت و گروه کنترل نسخه پذیرش - شرکت کردند. پس از پایان بازی هر دو گروه برای بار دوم به پرسشنامه تنگناهای اخلاقی و پرسشنامه

² Jyriat , shoartz & els

³ Cristofani et al



مقیاس عاطفه مثبت و منفی پاسخ دادند. نتایج نشان داد، بین دو گروه پس از شرکت در تکلیف بازی تفاوت معناداری در مقیاس عاطفه مثبت و منفی وجود نداشت، اما تغییرات پاسخ به تنگناهای اخلاقی خود سودآور با تغییر عاطفه منفی رابطه معناداری داشت همچنین میان تغییرات پاسخ به دوراهی‌های شخصی و اجتناب‌ناپذیر با تغییر بالانس عاطفه رابطه معناداری وجود داشت. در سایر انواع تنگناهای اخلاقی این تفاوت به سطح معناداری آماری نرسید.

زارع، ملک‌زاده، آقا یوسفی و لواسانی (۱۳۹۹)، پژوهشی با عنوان "مدل تبیینی قضاوت اجتماعی: نقش نظریه ذهن با واسطه‌گری ویژگی‌های شخصیت" انجام دادند. هدف پژوهش تعیین نقش واسطه‌گری ویژگی شخصیت در رابطه بین نظریه ذهن و قضاوت اجتماعی بود که با روش همبستگی با رویکرد مدل ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی دانشجویان پیام نور شیراز تشکیل دادند، که از آن جامعه تعداد ۴۰۰ دانشجوی به روش تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و به پرسشنامه نظریه ذهن (بارون - کوهن، ۲۰۰۱)، پنج عامل بزرگ شخصیت (گلدبرگ، ۱۹۹۹)، پرسشنامه قضاوت اجتماعی (شانگ پویر، ۲۰۰۷) پاسخ دادند. بدین ترتیب داده‌ها با استفاده از مدل یابی معادلات ساختاری تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که اثر نظریه ذهن بر ویژگی‌های توافق‌پذیری، تجربه‌گرایی، برون‌گرایی و مسئولیت‌پذیری به صورت مثبت و معنی‌دار $p=0/001$ و بر روان رنجوری به صورت منفی و معنی‌دار بود به علاوه، نظریه ذهن قضاوت اجتماعی را به صورت مستقیم و غیرمستقیم با میانجی‌گری مسئولیت‌پذیری پیش‌بینی کرد.

نتایج پژوهش کمویچ در سال (۲۰۱۵) نیز حاکی از اثر متقابل نظریه ذهن و کارکردهای اجرایی است. همچنین کارکردهای اجرایی بهتر با شایستگی اجتماعی بیشتر رابطه دارد (کوچاک، مواری و هارس، ۲۰۰۰). کارکردهای اجرایی با درک اخلاقی نیز همبستگی مثبت دارد (امیری و همکاران، ۱۳۹۶). بندورا فرآیندهای شناختی و توجه را واسطه رفتار اخلاقی می‌داند، نظریه یادگیری اجتماعی، هم‌خاستگاه اجتماعی رفتار و تفکر و هم بعد شناختی آن را که بیانگر فرآیندهای فکر برانگیزش، عواطف و عمل انسان است مورد تأکید قرار می‌دهد؛ افزون بر این خود نظم دهی و مکانیسم انگیزش اخلاقی بر عمل اخلاقی نیز تأثیر دارد (بندورا، ۱۹۸۶، به نقل از شعبانی، ۱۳۹۱). با توجه به توضیحات ارائه شده و نقشی که کارکردهای اجرایی هم بر قضاوت اخلاقی و هم بر نظریه ذهن ایفا می‌کند این سؤال به ذهن می‌رسد که آیا بین مؤلفه‌های کارکردهای اجرایی و اخلاق رابطه‌ای وجود دارد؟ نظریه ذهن در این رابطه چه نقشی ایفا می‌کند. این تحقیق در پی یافتن پاسخ به این سؤال است که چه رابطه‌ای میان کارکردهای اجرایی و قضاوت اخلاقی وجود دارد و در این میان نظریه ذهن چه نقشی ایفا می‌کند؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

تربیت اخلاقی یکی از اهداف اصلی و پایدار نظام‌های آموزشی در سطح دنیا بوده است (ساندپ، ۲۰۱۵، بیسچوف، ۲۰۱۶، به نقل از عقلی، علم الهدی، فتحی، ۱۳۹۷). عامل مؤثر بر اخلاقی تفکر و میزان خردمندی است، چگونگی استدلال یا تفکر درباره رفتارهایی که به امور اخلاقی مرتبط است و نیز میزان خردمندی فرد یعنی منطق و شیوه تفکر حاکم بر ذهن نقش تعیین‌کننده‌ای در واکنش وی به امور اخلاقی دارد، همچنین توانایی شناختی و قصد و نیت و ذهنیات فرد نیز در چگونگی رفتار اخلاقی او تأثیر دارد (خاکپور، مهر آفرید، ۱۳۹۱). اهمیت پژوهش حاضر به لحاظ نظری می‌تواند اطلاعات ما در مورد رابطه برخی از کارکردهای اجرایی و نظریه ذهن با قضاوت اخلاقی را افزایش دهد و همچنین به جهت کاربردی انجام پژوهش‌هایی که بتواند فرآیند کارکردهای اجرایی دانش آموزان را با قضاوت اخلاقی بررسی و شناسایی کند، توجه بیشتر دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت را به نقش کارکردهای اجرایی،



فرآیند اخلاق معطوف خواهد داشت، چراکه با آموزش و بهبود کارکردهای اجرایی می‌توان در نتیجه و بهبود قضاوت‌های اخلاقی دختران کمک کرد.

مواد و روش‌ها

هدف اصلی از انجام پژوهش بررسی رابطه کارکردهای اجرایی و قضاوت اخلاقی در دختران شهر کرمانشاه است، می‌توان گفت پژوهش مذکور از نوع توصیفی و هدف آن کاربردی است؛ چون هدف تحقیقات کاربردی توسعه دانش برای به کارگیری در یک زمینه خاص می‌باشد. به عبارت دیگر تحقیقات کاربردی به سمت کاربرد علمی دانش هدایت می‌شوند (سرمد؛ بازرگان؛ حجازی، ۱۳۸۲: ۲۸). خصوصیت ویژه تحقیق‌های کاربردی، آزمون کارآیی نظریه‌های علمی در یک حوزه خاص است. همچنین از نظر روش گردآوری و تحلیل داده‌ها از نوع توصیفی-همبستگی است. این تحقیق از نظر دسته‌بندی تحقیقات برحسب نحوه گردآوری داده‌ها (طرح تحقیق)، تحقیقی توصیفی^۴، بشمار می‌رود که به توصیف ویژگی‌های نمونه و سپس تعمیم این ویژگی‌ها به جامعه آماری پرداخته است. تحقیقات توصیفی خود بر چند نوع هستند که این تحقیق از نوع پیمایشی آن می‌باشد.

قلمرو موضوعی تحقیق: در این پژوهش بررسی رابطه کارکردهای اجرایی و قضاوت اخلاقی با میانجی‌گری نظریه ذهن در دختران ۹ تا ۱۱ شهر کرمانشاه به عنوان محور اصلی مطرح می‌باشد. قلمرو زمانی تحقیق: داده‌های جمع‌آوری شده در این تحقیق مربوط به دوره زمانی تیرماه سال ۱۴۰۲ آغاز، لغایت مهرماه ۱۴۰۲ است.

قلمرو مکانی تحقیق: قلمروی مکانی تحقیق نیز دختران ۹ تا ۱۱ شهر کرمانشاه انتخاب شده‌اند، انجام شد. روش انتخاب اعضای نمونه نیز با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس بود. به این صورت که دختران ۹ تا ۱۱ ساله که در فضای باز بیرون، مراکز تفریحی و پارک مشاهده می‌شدند و سن ۹ تا ۱۱ ساله داشتند، پرسشنامه در اختیار آنان قرار گرفتند.

جهت تعیین حجم نمونه از محاسبه بر اساس تعداد مؤلفه‌های متغیرهای پژوهش استفاده گردید تعداد نمونه موردبررسی ۳۷۰ نفر بود.

پرسشنامه کارکردهای اجرایی: پرسشنامه کارکردهای اجرایی بارکلی فرم کودک و نوجوان ۲۰۱۲ باهدف بازنمایی کارکردهای اجرایی در جمعیت‌های غیر بالینی و بالینی به‌ویژه دختران و نوجوانان طراحی شد. مقیاس مذکور شامل ۷۰ گویه است که نمره‌گذاری پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۴ درجه‌ای و از هرگز تا همیشه درجه‌بندی شده است. همچنین شامل پنج خرده مقیاس است که این خرده مقیاس‌ها ۵ کارکردهای اجرایی خود مدیریتی زمان سؤالات، خودسازمان‌دهی/ حل مسئله سؤالات، خودکنترلی/ بازداری سؤالات، خود انگیزشی پرسش‌های و خود نظم جویی هیجان سؤالات را اندازه‌گیری می‌کنند. از این ابزار ۷ نمره استخراج می‌شود که ۵ نمره مربوط به خرده مقیاس‌ها، یک نمره کلی و نمره دیگر از ۱۱ سؤال این مقیاس که به عنوان فهرست کارکردهای اجرایی مطرح شده‌اند، به دست می‌آید. اعتبار کل مقیاس با آلفای کرونباخ ۰/۹۹ و زیرمقیاس‌ها ۰/۷۴ تا ۰/۳۳ توسط بارکلی گزارش شده است. روایی این مقیاس توسط اساتید دانشگاه علامه طباطبائی مورد تأیید قرار گرفته است.

⁴ Descriptive research



آزمون قضاوت اخلاقی برای دختران ۱۱ تا ۱۱ ساله (سینها و وارما، ۱۹۹۶): این آزمون بین سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۱، به وسیله سینها و وارما ساخته شد و در سال ۱۹۹۸ نیز مورد تجدیدنظر قرار گرفت. در ایران توسط کرمی (۱۳۷۹)؛ به نقل از یعقوبی و بیات، (۱۳۹۵) به فارسی برگردانده شد و برای ارزیابی قضاوت اخلاقی دختران دوره ابتدایی (۶ تا ۱۱ سال) تدوین شد. روایی این آزمون توسط ۵ تن از اساتید گروه روانشناسی دانشگاه رازی تأیید گردید و پایایی آزمون با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن ۹۳٪ به دست آمده است، این آزمون دارای ۵۰ سؤال چندگزینه‌ای است و آزمودنی باید درباره آن‌ها تصمیم اخلاقی بگیرد. زمینه کار اخلاقی را در اظهارنظرها گروه‌بندی کند، میان کلمات و معنای اخلاقی رابطه برقرار نماید، در برابر مشکلات اخلاقی استدلال منطقی کند و تعاریف مناسب ارزش‌های اخلاقی را انتخاب نماید. برای هر پاسخ درست، یک نمره و برای هر پاسخ غلط صفر منظور می‌گردد. راهنمایی‌هایی برای اجرای این آزمون تهیه شده است که ساده هستند و به صورت دستورالعمل قبل از سؤالات هر بخش ارائه شده‌اند. مدت زمان پاسخگویی دختران به این آزمون بین ۴۰ تا ۴۵ دقیقه است. پس از جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها ضریب پایایی پرسشنامه با استفاده از روش ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که برابر با ۰/۷۳ است (یعقوبی و بیات، ۱۳۹۵).

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور توصیف داده‌های جمعیت شناختی و داده‌های جمع‌آوری شده از پرسشنامه‌ها از روش آمار توصیفی شامل فراوانی، میانگین و انحراف معیار استفاده شد و به منظور تجزیه و تحلیل آماری فرضیه‌ها از روش همبستگی پیرسون و معادلات ساختاری استفاده شد. تمام تجزیه و تحلیل آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS-19 و Amos انجام خواهد شد.

یافته‌ها

یافته‌های جمعیت شناختی

جدول ۱- فراوانی سنی دختران

سن	فراوانی	درصد
۹	۹۸	۲۶/۴۸
۱۰	۱۲۷	۳۴/۳۲
۱۱	۱۴۵	۳۹/۲
کل	۳۷۰	۱۰۰،۰

نتایج جدول ۱ نشان داد که بیشترین فراوانی و درصد فراوانی سن (۱۱) ۱۴۵ نفر (۳۹/۲٪) بود.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
قضاوت اخلاقی	۳۷۰	۳۰،۳۱	۱۳،۸۸	۷	۴۰



کارکردهای اجرایی	۳۷۰	۱۶۵,۳	۲۷,۷۸	۷۰	۲۸۰
خود مدیریتی	۳۷۰	۴۳,۵۴	۱۰,۸۷	۱۳	۵۲
خودسازمان دهی	۳۷۰	۴۱,۱	۹,۶۷	۱۴	۵۶
خودکنترلی	۳۷۰	۴۴,۲۱	۱۱,۰۱	۱۳	۵۲
خود انگیزشی	۳۷۰	۴۵,۱۱	۱۱,۹۸	۱۴	۵۶
خود نظم جویی	۳۷۰	۵۸,۳۲	۱۳,۴۳	۱۶	۶۴

میانگین نمرات قضاوت اخلاقی برابر با ۳۰,۳۱ با انحراف معیار ۱۳,۸۸ محاسبه شده است. به نحوی که کمترین مقدار این متغیر ۷ و بیشترین مقدار آن برابر با ۴۰ می باشد.

میانگین نمرات کارکرد اجرایی برابر با ۱۶۵,۳ با انحراف معیار ۲۷,۷۸ محاسبه شده است. به نحوی که کمترین مقدار این متغیر ۷۰ و بیشترین مقدار آن برابر با ۲۸۰ می باشد.

یافته های استنباطی

نرمال بودن توزیع متغیرها

جدول ۳. نتایج نرمال بودن متغیرهای موجود در پژوهش

متغیرها	آزمون کلموگروف اسمیرنف نتیجه آزمون		
	مقدار آماره	سطح معناداری	
قضاوت اخلاقی	۰,۰۶۵	۰,۲۴	نرمال
کارکردهای اجرایی	۰,۰۰۱	۰,۳۰	نرمال
خود مدیریتی	۰,۰۴۹	۰,۲۱	نرمال
خودسازمان دهی	۰,۰۳۶	۰,۲۰	نرمال
خودکنترلی	۰,۰۴۴	۰,۲۰	نرمال
خود انگیزشی	۰,۰۴۳	۰,۱۶	نرمال
خود نظم جویی	۰,۰۴۷	۰,۱۷	نرمال

در این قسمت ابتدا پیش فرض های روش مدل سازی معادلات ساختاری (بررسی هم خطی نبودن، استقلال خطا، نرمال بودن توزیع متغیرها، تحلیل عاملی تأییدی و ماتریس همبستگی) بررسی شده و در نهایت یافته های مربوط به فرضیه ها ارائه می شود. ضریب آلفای کرونباخ، شاخص سستی برای بررسی پایایی یا سازگاری درونی بین متغیرهای مشاهده پذیر در یک مدل اندازه گیری محسوب می گردد. سازگاری درونی نشانگر میزان همبستگی بین یک سازه و شاخص های مربوط به آن است. معیار قابل قبول بودن برای این شاخص که نشان دهنده پایایی مدل اندازه گیری خواهد بود، حداقل مقدار ۰,۷ می باشد. برای اجرای روش های آماری و محاسبه آماره آزمون مناسب و استنتاج منطقی درباره فرضیه های پژوهش مهم ترین عمل قبل از هر اقدامی، انتخاب روش آماری مناسب برای پژوهش است برای این منظور آگاهی از



توزیع داده‌ها از اولویت اساسی برخوردار است. توزیع نرمال بدین معناست که توزیع متغیرها در دو طرف میانگین یکسان باشد به طوری که نمودار توزیع شکل زنگوله‌ای داشته باشد، اگر توزیع متغیرها نرمال نباشد، توزیع از حالت زنگوله‌ای خارج خواهد شد و به سمت چپ و یا راست میانگین متمایل می‌شود. جهت بررسی نرمال بودن از آزمون کلموگروف اسمیرنوف استفاده می‌شود. نتایج مربوط به آزمون نرمالیتی داده‌ها در جدول زیر آمده است.

تحلیل فرضیه‌های پژوهش

(۱) کارکردهای اجرایی با قضاوت اخلاقی در کودکان رابطه معناداری دارد.

جدول ۴. نتایج اثرات مستقیم متغیر پیش‌بین در ملاک

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	مقدار اثر مستقیم	سطح معناداری
کارکردهای اجرایی	۰/۶۸۵		
قضاوت اخلاقی	۰/۰۱		

با توجه به جدول ۴ اثر مستقیم کارکردهای اجرایی بر قضاوت اخلاقی در سطح معناداری کوچک تر از ۰/۰۵ معنادار است. بنابراین فرضیه‌ی فوق تائید می‌گردد مبنی بر اینکه با افزایش نمرات کارکردهای اجرایی بر میزان قضاوت اخلاقی افزوده می‌شود. به عبارتی کارکردهای اجرایی ۶۸/۵ درصد قادر به تبیین قضاوت اخلاقی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

کارکرد اجرایی و قضاوت اخلاقی

در رابطه با فرضیه‌ی که در رابطه با بین کارکردهای اجرایی و قضاوت اخلاقی رابطه وجود دارد؛ یافته‌های پژوهش به مقدار زیادی مطابق با انتظار بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که مؤلفه کارکردهای اجرایی رابطه‌ی مستقیمی با قضاوت اخلاقی داشته است، بدین معنا که افزایش کارکردهای اجرایی با افزایش قضاوت اخلاقی همراه است. به عبارت دیگر نظریه ذهن یک توانایی شناختی است که فرد را قادر می‌کند دیدگاه‌های دیگران را در مورد مسائل در نظر بگیرد و از دید دیگران به قضایا بنگرد. کارکردهای اجرایی، کارکردهای هدف مداری هستند که برای توصیف مجموعه‌ای از پردازش‌های ذهنی استفاده می‌شوند و فرد را قادر می‌سازند تا به طور هشیار تفکرش را کنترل کند، مجموعه پردازش‌هایی مثل کنترل، حرکت، مواجهه با موقعیت‌های جدید، انتزاع و توانایی تفکر در سطوح بالا از وجهه‌های کارکردهای اجرایی است (مایک و فریمن، ۲۰۰۰). اگر بتوان مشخص کرد که کدام کارکرد اجرایی با نظریه ذهن در ارتباط است، می‌توان با توانایی بخشیدن بیشتر به آن در نظریه ذهن به پیشرفت‌هایی دست یافت. پژوهش حاضر با پژوهش‌های رمضان (۱۳۷۸)، کریمی (۱۳۶۷) اشرفی (۱۳۹۱)، و جی، ایکس یو، ایکس یو، دو و لی (۲۰۱۸) هم سو و هم‌راستا می‌باشد. با توجه به اینکه کارکردهای اجرایی بخشی از فرایندهای عالی شناختی هستند و با توجه به اینکه بر اساس دیدگاه روان‌شناسان شناختی چون پیازه و کلبگ، اخلاقی و قضاوت‌های اخلاقی بر شناختی مبتنی است، به نظر می‌رسد بین کارکردهای اجرایی با قضاوت اخلاقی رابطه وجود دارد. در این صورت افزایش یا بهبود کارکردهای اجرایی می‌تواند قضاوت اخلاقی را دهد و یا بالعکس.

منابع



بنی اسدی، ابراهیم (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش همدلی بر زورگویی کودکان ۶-۴ سال در مراکز پیش از دبستان. پایان نامه کارشناسی ا، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی

پیرا، حسین. (۱۳۹۷). مقایسه نظریه ذهن و همدلی عاطفی در دانش آموزان با پرخاشگری ارتباطی و آشکار، پایان نامه کارشناسی ا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، دانشکده علوم انسانی.

جعفری جوزانی، راضیه و موسوی، سید علی محمد و احمدی، عبدالجواد و عسگری، نصر اله. (۱۳۹۵). مقایسه کارکردهای اجرایی و جهت گیری زندگی در افراد مبتلابه مولتیپل اسکلروزیس و افراد سالم، مجله علمی - پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، ۲۳(۲). ۳۲۸-۳۳۵.

زردی، بهمن و بشر پور، سجاد (۱۳۹۸). خصوصیات روان سنجی مقیاس تجربه قلدری - قربانی سایبری در دانش - آموزان. فصلنامه روان شناسی مدرسه، ۸(۱). ۴۳-۵۸.

صادق پور، رضا (۱۳۹۹). اثربخشی برنامه آموزشی تئوری ذهن بر کاهش علائم اختلال اضطراب اجتماعی. پایان نامه کارشناسی ا، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.

عبدالرحیم پور، رقیه و بیرامی، منصور و هاشمی نصرت آبادی، تورج (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی پیش بینی همدلی بر اساس مؤلفه های کارکردهای اجرایی در کودکان دارای نشانه های اختلال کمبود/ بیش فعالی. فصلنامه رویش روانشناسی، ۱(۱). ۳۴-۵۲.

عقیلی، سید رمضان، علم الهدی، جمیله، فتحی واجارگاه، کوروش. (۱۳۹۷). طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی در دوره ابتدایی نظام آموزشی ایران. تدریس پژوهی، 23-1, 6(4),

جعفری، صادق (۱۳۹۵). نقش واسطه ای کارکردهای اجرایی و کارکردهای شناخت اجتماعی بر انتقال اهداف آموزشی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان. پایان نامه کارشناسی ا، دانشگاه الزهرا.

خاکپور، مسعود، مهر آفرید، معصومه. (۱۳۹۱). قضاوت اخلاقی کودکان پیش دبستانی پنج و شش ساله. تفکر و کودک، 3(5), 1-14.

Baron-cohen, S. (2001). Theory of mind in normal development and Autism. *Priseme*. 34: 174-83.

Best, J. R. & Miller, P. H. (2010). A developmental perspective on executive function. *Child Development*, 81(6), 1641-1660. Retrieved from.

Baron-cohen, S. (2001). Theory of mind in normal development and Autism. *Priseme*. 34: 174-83.

Best, J. R. & Miller, P. H. (2010). A developmental perspective on executive function. *Child Development*, 81(6), 1641-1660. Retrieved from.

Blair, C., Zelazo, P. D. & Greenberg, M. T. (2005). The measurement of executive function in early childhood. *Journal of Developmental Neuropsychology*. 2005; 28(2): 561-71.

Blankson, A. N., O'Brien, M., Leerkes, E. M., Calkins, S. D., & Marcovitch, S. (2015). Do hours spent viewing television at ages 3 and 4 predict vocabulary and executive functioning at age 5? *Merrill-Palmer Quarterly*, 61(2), 264-289.

Bodden, M. E., Dodel, R., & Kalble, E. (2010). Theory of mind in Parkinson's disease and related basal ganglia disorders: a systematic review. *Movement disorder*, 25(1), 13-27.



- Butterfill, S. A. & Apperly, I. A. (2013). "How to construct a minimal theory of mind". *Mind & Language*, 28, 606–637 .
- Carlson, S. M., Moses, L. J. & Breton C. (2002). How specific is the relation between Executive function and Theory of Mind? Contributions on inhibitory control and working memory. *Infant and Child Development*; 11:73- 92.
- Carlson, S. M.; Claxton, L. J. & Moses, L. J. (2015). "The relation between executive function and theory of mind is more than skin deep". *Journal of Cognition and Development*, 16, 186–197.
- Cottone, J., Drucker, P. & Javier, R. (2007). Predictors of Moral Reasoning: Components of Executive Functioning and Aspects of Religiosity, *Journal for the Scientific Study of Religion*, 46(1):37–53.
- Devine, R. T. & Hughes, C. (2014). "Relations between false belief understanding and executive function in early childhood: A meta-analysis". *Child Development*, 85, 1777–1794.
- Doherty, M. J. (2009). *Theory of mind: How children understand others' Thoughts and feeling*. New York, Psychology Press.
- Hart, T., & Jacobs, H. (2010). Rehabilitation and management of behavioral disturbances following frontal lobe injury. *Journal of Head Trauma Rehabilitation*, 8, 1-12.
- Hughes, C. & Devine, R. T. (2015). Asocial perspective on theory of mind. In R. M. Lerner (Ed.), *Socioemotional processes* (7th Ed. In & M. E. Lamb (Eds.). *Handbook of child psychology* (7th ed) (Vol. 3, pp. 564–609). Hoboken, NJ: John Wiley.
- Hughes, C. & Ensor, R. (2011). Individual differences in growth in executive function across the transition to school predict externalizing and internalizing behaviors and self-perceived academic success at 6 years of age. *Journal of Experimental Child Psychology*, 108, 663–676.
- Kirk, S., Gallagher, J. J., man, M. R., & Anastasiow, N. J. (2006). *Educating Exceptional Children* (13th ed). Boston: Houghton Mifflin.
- Kloo, D., & Perner, J. (2008). Training theory of mind and executive control: A tool for improving school achievement? *Journal compilation, international mind, brain and education*, 2(3), 122-127.
- Latzman, R. D., Elkovitch, N., Young, J. & Clark, L. A. (2010). The contribution of executive functioning to academic achievement among male adolescents. *Journal of Clinical and Experimental Neuropsychology*; 32(5): 455-62.
- Roca, M. (2016). The relationship between Executive Functions and Theory of Mind: a Long and Winding Road. *Journal of Neurology, Neurosurgery & Psychiatry*; 87-229. <http://dx.doi.org/10.1136/jnnp-2015-312568>
- Ruffman, T. (2014). "To belief or not belief: Children's theory of mind". *Developmental Review*, 34, 265–293.
- Sabbagh, M. A.; Xu, F.; Carlson, S. M.; Moses, L. J. & Lee, K. (2006). The development of executive functioning and theory of mind. *Psychological Science*, 17, 74-81.
- Sundqvist, A. & Ronnberg, J. (2010) Advanced theory of mind in children using augmentative and alternative communication. *Communication Disorders Quarterly*; 31(2): 86-97.



- Wellman, H.M.; Cross, D. & Watson J. (2001). Meta- analysis of theory of mind development the truth about false brief. *Journal of Child Development*, 72(3). 655-684.
- Wong, K. K.; Freeman, D. & Hughes, C. (2014). Suspicious young minds: Paranoia and mistrust in 8- to 14-year-olds in the UK and Hong Kong. *British Journal of Psychiatry*, 205, 221–229.
- Zunshine, L. (2003). Theory of mind and experimental representational of fictional consciousness. *Narrative*; 11(3): 270-91
- Marialaura DiTella , Rita B.Ardito, Federico. D., & Mauro.,A. (2020).On the (lack of) association between theory of mind and executive functions: a study in a non-clinical adult sample .*Scientific Reports* | (2020) 10:17283.
- Avsar, R., & Gabriel, R. (2021). The Influence of Empathy on Moral Judgments. *Journal of Economics and Behavioral Studies*, 13(1(J), 13-31. [https://doi.org/10.22610/jeps.v13i1\(J\).3140](https://doi.org/10.22610/jeps.v13i1(J).3140).
- Glidden, J., D'Esterre, A.P., & Killen, M. (2021). *Morally-Relevant Theory of Mind Mediates the Relationship between Group Membership and Moral Judgments. Cognitive development*, 57.
- De Freitas, Julian & Johnson, Samuel G. B. (2018). Optimality bias in moral judgment. *_Journal of Experimental Social Psychology_* 79:149-163.
- Natalie Gold, Briony D. Pulford, Andrew M(۲۰۱۵) . Colman,Do as I Say, Don't Do as I Do: Differences in moral judgments do not translate into differences in decisions in real-life trolley problems,*Journal of Economic Psychology*,Volume 47,50-61.
- Bisera Jevtić,(2014)Moral Judgement of Delinquents,*Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 149,449-455,



Investigating the Relationship between Executive Functions and Moral Judgment in 9-11-Year-Old Girls in Kermanshah

۵

Zahra Karami

Abstract

Engaging in flexible and goal-oriented behaviors can only be achieved when the child has reached a visual perception of the mind. In general, empirical evidence is not sufficient to investigate the causal relationship between theory of mind and executive function. Given that executive functions are part of higher processes. Are cognitive and based on the view of cognitive psychologists such as Piaget and Kohlberg that ethics and moral judgment are based on cognition, there seems to be a relationship between executive functions and moral judgment. In this case, increasing or improving executive functions can improve moral judgment. Therefore, the purpose of the present study is to investigate the relationship between executive functions and moral judgment among 9-11-year-old girls in Kermanshah city. The statistical population of the research was girls aged The sample of the present study was 370 girls who responded to Barclay's Executive Function Questionnaire, Sinha and Varma's Moral Judgment Test. Yaffe showed that there is a significant relationship between executive functions and moral judgment of girls.

Keywords: Executive Functions, Moral Judgment, 9-11 Year Old Girls, Kermanshah City 9 To 11 From Kermanshah City.

⁵ Master of Educational Management, Sanandaj University (Corresponding Author)